

MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

مبارزه با مواد مخدر در پرتو اسناد بین‌المللی با تأکید بر سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل

اسماعیل رضانی^۱، غلامحسین مسعود^{۲*}، محسن شکرچی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از معضلات اجتماعی جوامع، پدیده جرم و بزهکاری است که در اثر مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی، تضعیف اعتقادات مذهبی و در کل بر هم خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می‌آید. در این میان یکی از عوامل و آسیب‌هایی که بزهکاری را به دنبال دارد، مواد مخدر می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: در ارتباط با تولید و استفاده از مواد مخدر باید به این نکته دقت داشت که استفاده از مواد مزبور، ارتباط بسیار نزدیکی با وضعیت بهداشت و سلامت جامعه بین‌المللی دارند. این ویژگی باعث می‌شود که در فضای حقوق نیز حساسیت فراوانی نسبت به آن‌ها ایجاد شود. تولید و استفاده از مواد مخدر به صورت مستقیم حق بر سلامت را تهدید می‌کند. حق بر سلامت نیز به عنوان یکی از مصادیق حق حیات قلمداد می‌شود. از طرفی نیز حق حیات یک عنوان کلی در نظام حقوق بشر بین‌المللی است که زیرمجموعه حقوق بنیادین بشری قرار می‌گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: تعهدات دولت‌ها در زمینه ممنوعیت تولید و استفاده از مواد مخدر به واسطه ارتباط نزدیک با «حق بر سلامت» و «حق حیات» دارای وصف «آمره» می‌باشند. در نتیجه در فضای حقوق مسئولیت بین‌المللی این امکان وجود دارد که الگوی مسئولیت مشدد (یا همان مسئولیت برای نقض قواعد آمره) برای دولت‌ها در نظر گرفته شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

واژگان کلیدی:

قواعد آمره

مواد مخدر

اسناد بین‌المللی

سلسله مراتب هنجاری

* نویسنده مسؤول:

غلامحسین مسعود

آدرس پستی: ایران، نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۴۳۱۳۱-۸۵۱۴۱

تلفن: ۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

پست الکترونیک:

gh.masoud@iaun.ac.ir

۱. مقدمه

در گرایش به این پدیده شوم دخالت دارند که بعضی از آنها مربوط عوامل اقتصادی است که بیشترین سهم را نیز در این ارتباط به خود اختصاص داده است. اغلب معتادان ناگزیرند زندگی خود را از راه‌های نادرست از قبیل سرقت، قتل، فحشا و فروش مواد مخدر تأمین کنند و این خود به افزایش کج‌روی و انحرافات اجتماعی در جامعه کمک می‌کند. در سال ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد مفهوم ذیل را برای اعتیاد به مواد مخدر بیان نمود. اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت استعمال مداوم یک دارو اعم از طبیعی یا ترکیبی ایجاد می‌شود و به حال شخص یا اجتماع زیان‌آور باشد.

مبارزه با تولید و استفاده از مواد مخدر سال‌های متمادی است که در دستورکار جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. در حال حاضر کنوانسیون‌ها و عرف‌های بین‌المللی مختلفی در فضای روابط بین‌المللی وجود دارند که به موضوع مواد مخدر و ممنوعیت استفاده، تولید و ترانزیت آن‌ها می‌پردازند. از طرفی در فضای حقوق بین‌الملل، هنجارهای بین‌المللی دارای ارزش‌های مختلفی می‌باشند. برخی از هنجارهای مزبور به دلایل مختلف در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند و سایر هنجارها نمی‌توانند در تعارض با آن‌ها باشند. این هنجارها همان قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام می‌باشند. پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که ممنوعیت تولید، استفاده و ترانزیت مواد مخدر در فضای روابط بین‌المللی چه جایگاهی در سلسله مراتب هنجاری دارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود این است که مسئله مواد مخدر به صورت مستقیم با قواعد آمره حقوق بین‌الملل ارتباط دارد؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که تعهدات راجع به ممنوعیت‌های مواد مخدر به عنوان مصادیقی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تدوین قواعد و مقررات حاکم بر حیات جمعی و اجبار اشخاص به رعایت این مقررات از طرف نمایندگان و مجریان قانون، بحثی می‌باشد که سابقه‌ای به قدمت شکل‌گیری حیات جمعی و گروهی افراد دارد. نسبی بودن مقررات و اثر نارسای آن در کمتر نمودن جرائم سبب می‌گردد همیشه حکایت تلخ ایجاد جرائم تکرار گردد و سنگینی بار معضلات اجتماعی بر دوش جامعه زیاد شود. پیامدهای نامناسب دردها و مسائل اجتماعی که جامعه همیشه مجبور به تحمل آن بوده سبب گردیده است گروه‌های تحقیقی در حیطه امور علمی و تحقیق در پی کسب عوامل و انگیزه‌های ارتکاب جرم بوده، تا طرق شایسته‌ای را جهت رهایی از این پیامدها کسب نمایند. برابر ضوابط حقوقی، جرم عملی می‌باشد که مخالف یکی از حالات قانونی مجازات عمومی هر کشوری بوده و مجرم شخصی می‌باشد که در وقت مشخصی کاری برخلاف ضوابط قانونی کشور انجام دهد. ارتکاب جرم نه تنها نظم و آرامش و سلامت جامعه را بر هم زده بلکه آسیب روحی و جسمی و مادی همچنین به اشخاص و آزادی و استقلال آنان وارد می‌کند. بر همگان آشکار است که در طول تاریخ بشریت هیچگاه جوامع عاری از جرم و خشونت نبوده است، لکن آنچه جوامع را در این زمینه از یکدیگر متمایز می‌سازد: نحوه و چگونگی برخورد با بزه‌دیدگان و بزهکاران است. بزهکاری یا به طور کلی انحراف و جرم در طول زمان از مسیرهای مختلف می‌گذرد و رشد و تکوین می‌یابد. بزهکاری از پیش یقین نمی‌شود بلکه غالباً از برخوردهای خاص عامل رفتار و وضعیت‌ها می‌گذرد و در هر وضعیت چند راه مختلف در برابر فرد قرار می‌گیرد که یکی از آنها را انتخاب می‌کند و آن می‌تواند بزهکارانه باشد.

افراد در چهارراه سرگردانی و تضاد ارزش‌ها درگیر شدند که نمی‌دانند به کدام جهت حرکت نمایند بانوان هم از این موضوع مستثنی نمی‌باشند. معضل اعتیاد در جهان کنونی از معضلات مهم اجتماعی بوده که در بیشتر کشورها اقشار مختلف جامعه با آن روبرو است. آن چه مسلم است دلایل اعتیاد بسیار پیچیده است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند. علل و عوامل گوناگونی

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

استفاده از مواد مخدر به صورت بسیار گسترده در بسیار از کشورهای جهان رواج پیدا کرده است. علی‌رغم ممنوعیت گسترده تولید و استفاده از مواد مخدر، و اثبات خطرات استفاده از آن برای سلامت انسان‌ها، کماکان بازار مصرف گسترده‌ای برای آن در کشورهای مختلف وجود دارد. در ارتباط با تولید و استفاده از مواد مخدر باید به این نکته دقت داشت که استفاده از مواد مزبور، ارتباط بسیار نزدیکی با وضعیت بهداشت و سلامت جامعه بین‌المللی دارند. این ویژگی باعث می‌شود که در فضای حقوق نیز حساسیت فراوانی نسبت به آن‌ها ایجاد شود. در پاسخ به حساسیت مزبور، اسناد بین‌المللی موجود، الگوی مسئولیت برای اعمال متخلفانه را در ارتباط با ممنوعیت تولید و استفاده از مواد مخدر برای دولت‌ها در نظر گرفته‌اند. باید توجه داشت که چنانچه دولتی هر یک از تعهدات بین‌المللی موجود در این زمینه را نقض کند، مسئولیت دولت مزبور مطابق با الگوی مسئولیت برای اعمال متخلفانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که الگوی مسئولیت مشدد در این زمینه برای دولت‌ها متصور باشد. در واقع با در نظر داشتن رویه بین‌المللی که در گزارش‌های کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی متبلور شده است، به نظر می‌رسد که تولید و استفاده از مواد مخدر به صورت مستقیم حق بر سلامت را تهدید می‌کند. حق بر سلامت نیز به عنوان یکی از مصادیق حق حیات قلمداد می‌شود. از طرفی نیز حق حیات یک عنوان کلی در نظام حقوق بشر بین‌المللی است که زیرمجموعه حقوق بنیادین بشری قرار می‌گیرد.

۵. بحث**۵-۱. پیشینه تحقیق**

موضوع سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از متغیرهای پژوهش حاضر به صورت بسیار محدود در پژوهش‌های مزبور مقاله فرید بیرانوند و همکاران تحت عنوان «تکوین و اعمال حقوق نرم بین‌المللی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر حقوق بشردوستانه» که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است، به خوبی این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار داده است. از نظر نویسندگان، هنجارها در عالم حقوق دارای دو رکن هستند: یکی الزام‌آوری و دیگری پایبندی. هنجارهای حقوق نرم فقط دارای رکن دوم، یعنی پایبندی هستند. در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد که دیوان بین‌المللی دادگستری علی‌رغم وجود قالب‌های کلاسیک ماده ۳۸ اساسنامه خود، هم در قامت اعمال‌کننده و هم در قامت یک مرجع تولید حقوق نرم به نقش‌آفرینی می‌پردازد. از یک‌سو، از طریق توسل دیوان بین‌المللی دادگستری به سازوکار حقوق نرم، هنجارهای حقوق بین‌الملل، بدون نیاز به اجماع فراگیر میان دولت‌های درگیر، تفسیر، تصویب، تعدیل و حتی تغییر پیدا می‌کنند و از سوی دیگر استناد دیوان به حقوق نرم می‌تواند به عنوان روشی جهت تسهیل روند انتقال هنجارهای حقوق نرم به فضای حقوق سخت قلمداد شود. همچنین در پرتو رویه دیوان، حقوق نرم این قابلیت را دارد که قواعد حقوق بین‌الملل را تقویت و ارتقاء بخشد و حسب مورد آن‌ها را در سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌المللی بالا ببرد. از طرفی استفاده دیوان از هنجارها و اسناد حقوق نرم، دارای تأثیری متقابل در مناسبات مواضع دیوان و رفتار اعضاء جامعه بین‌المللی می‌باشد (۱).

مقاله «میزان انطباق جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران با اسناد بین‌المللی» نوشته حمیده علیزاده که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، ابتلای جامعه بشری به معضل مواد مخدر، کشورها را بر آن داشت تا برای جلوگیری از گسترش آثار مخرب این بلای ویرانگر، در قالب معاهده‌های بین‌المللی به مبارزه با آن بپردازند. از جمله این معاهده‌ها،

به موضوع مواد مخدر در پرتو اسناد بین‌المللی و تعیین جایگاه تعهدات دولت‌ها در این زمینه را مشخص می‌کند.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش، در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر باید عنایت داشت که بررسی جرائم مربوط به مواد مخدر و ارکان آن‌ها در دایره موضوعات پژوهش قرار ندارد؛ بلکه با بررسی اسناد بین‌المللی موجود و محتویات آن‌ها به دنبال مشخص کردن جایگاه تعهدات دولت‌ها در ارتباط با ممنوعیت‌های مواد مخدر در سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل می‌باشیم.

۵-۵. سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل

نگاه کلاسیک به حقوق بین‌الملل نشأت گرفته از فضای معاهده صلح وستفاليا مورخ ۱۶۴۸ می‌باشد. از این منظر هسته اصلی حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل رضایت دولت‌ها در پذیرش تعهدات بین‌المللی می‌باشد که در مقدمه کنوانسیون حقوق معاهدات و اصول ملل متحد مورد اشاره قرار گرفته است (۳). در رویکرد کلاسیک به حقوق بین‌الملل، مفاد ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. به بیان ساده‌تر باید‌ها و نبایدهای حقوق بین‌الملل از قالب‌های مندرج در ماده ۳۸ ناشی می‌شوند (۴). در فضای روابط بین‌المللی، از یکسو در راستای «حکومت قانون» نیاز به ثبات و از سوی دیگر در راستای ضرورت‌های متغیر زمانی (که به واسطه سیاسی بودن یا به تعبیری منفعت‌محور بودن روابط) نیاز به انعطاف‌پذیری می‌باشد و تلاش جامعه بین‌المللی نیز در جهت برقراری تعادلی مطلوب میان این دو نیاز بوده است. یکی از مفاهیمی که در فضای روابط بین‌المللی در پاسخ به «نیاز به انعطاف‌پذیری» متولد شده است، مفهوم «حقوق نرم» می‌باشد (۵). مقصود از مفهوم حقوق نرم، قالب‌های نوظهوری می‌باشد که علی‌رغم فقدان عنصر الزام‌آوری، پایبندی را در روابط بین‌المللی ایجاد می‌کنند. اسنادی مانند اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، رویه‌های خلاف عرف‌های موجود و... که در فضای روابط

معاهده واحد مواد مخدر سازمان ملل متحد، مصوب سال ۱۹۶۱ و معاهده مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان، مصوب سال ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد است که کشور ایران هر دو معاهده را پذیرفته و به عضویت آنها درآمده است. بررسی و مقایسه معاهده‌های یادشده و قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیانگر آن است که همه آنها درصدد مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری و اصلاح معتادان و برگرداندن آنها به زندگی عادی هستند. بررسی متن معاهده‌ها نشان می‌دهد، میزان ضمانت اجرا و مجازات پیشنهادی برای مرتکبان جرائم مواد مخدر نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر ایران از شدت کمتری برخوردار است. از آنجایی که موضوع تحقیق، میزان انطباق جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران با معاهده‌های بین‌المللی است، در تنظیم این نوشتار، روش توصیفی - تحلیلی به کار گرفته شده و برای جمع‌آوری منابع، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است (۲).

۲-۵. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همان‌طور که در قسمت پیشین مشاهده شد، تمرکز پژوهش‌های صورت گرفته، بر تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی می‌باشد؛ حال آن‌که در پژوهش حاضر تمرکز نویسندگان علاوه بر تحلیل محتویات اسناد بین‌الملل، تعیین جایگاه تعهدات دولت‌ها سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۳-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرار گرفتن تعهدات دولت‌ها در هر زمینه‌ای در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل، آثار بسیار مهمی را در پی دارد. در واقع این امر بدان معنا است که برای دولت‌ها در راستای قواعد امره بین‌المللی تعهداتی ایجاد شده است. یکی از آثار بسیار مهم در این زمینه این است که هیچ دولتی نمی‌تواند به واسطه توسل به عوامل رافع و موجهه مسئولیت، از اجرای تعهدات مزبور سرباز بزند. به تعبیری، تعهداتی که در رأس سلسله مراتب هنجاری قرار می‌گیرند، به صورت مطلق، امکان تعلیق یا عدم اجرا را ندارند. همین امر اهمیت پرداختن

«حقوق بنیادین بشری» یاد شده است؛ صورت دیگر از سلسله مراتب را می‌توان در بحث قواعد آمره مشاهده کرد. اما در مقابل برخی حقوقدانان معتقد هستند که اصولاً سلسله مراتب هنجاری صرفاً محدود به فضای حقوق معاهدات نیست بلکه بر سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل نیز تأثیر گذاشته است (۶).

منتقدان مفهوم حقوق نرم در جهت نقد این مفهوم، بر وجود هنجارمندی نسبی در حقوق بین‌الملل تأکید دارند. از نظر این دسته از حقوقدانان صرف تشخیص این که چه چیزی در سطح بین‌المللی «حقوق» محسوب می‌شود، مسئله پیچیده و سختی است. به بیان ساده‌تر از نظر این دسته از نویسندگان، در ارتباط با آستانه و مرز هنجاری در فضای حقوق و غیرحقوق ابهام وجود دارد (۷). منطقاً قائل بودن به وجود هنجارمندی در قواعد حقوق بین‌المللی، منتهی به وجود سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل می‌شود (۸). یعنی اگر قواعد موجود مختلف و متفاوت هستند (مانند قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول ناشی از آن‌ها و تعهدات ناشی از منشور ملل متحد) در نتیجه باید وزن حقوقی تعهدات ناشی از آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت باشد؛ پس باید قائل به طبقه‌بندی آن‌ها باشیم. اما دلیل این که چرا مفاهیم قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول منتهی به وجود سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوق بین‌الملل می‌شود، در تعریف این مفاهیم نهفته است. تعریف قواعد آمره با توجه به مفاد ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ عبارت است از: "قاعده‌ای که از سوی جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر شناخته شده و پذیرفته شده است و هیچ‌گونه تخطی از آن مجاز نیست و تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر است". مصادیق این دسته از قواعد در کنوانسیون وین مشخص نشده است و به رویه بین‌المللی موکول شده است، مع‌الوصف تاکنون ممنوعیت توسل به زور، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت نسل‌زدایی با توجه به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه بین‌المللی دولت‌ها به عنوان مصادیق مسلم قواعد آمره مورد شناسایی قرار گرفته‌اند (۹). در نتیجه این قواعد در طبقه‌ای بالاتر از سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل که فاقد این وصف هستند قرار دارند. مفهوم تعهدات عام‌الشمول

بین‌المللی فاقد عنصر الزام‌آوری هستند اما به دلایل مختلف از سوی بازیگران حقوق بین‌الملل رعایت می‌شوند، همگی از جمله مصادیق حقوق نرم محسوب می‌شوند. نکته جالب توجه این‌جاست که از یک‌سو بسیاری از مصادیق حقوق بیماران از طریق سازوکار اسناد و هنجارهای حقوق نرم وارد ادبیات حقوق بین‌الملل و آثار نویسندگان شده است و از سوی دیگر مفهوم حقوق نرم مورد انتقاد بسیاری از نویسندگان و حقوقدانان قرار گرفته است. یکی از جنبه‌های بسیار مهمی که منتقدان مفهوم حقوق نرم به آن تأکید دارند، مسئله سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل است. در واقع از نظر منتقدان، با تأکید بر سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل، وجود مفهوم حقوق نرم و دستاوردهای آن با چالش اساسی مواجه می‌شود.

باید دقت داشت که سلسله مراتب «هنجاری» با سلسله مراتب «منابع» حقوق بین‌الملل و فضای ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، متفاوت است. در این‌جا مقصود ما سلسله هنجاری است. همچنین باید میان سلسله مراتب هنجاری در قالب معاهدات بین‌المللی و سلسله مراتب هنجاری در قالب عرف‌های بین‌المللی قائل به تفکیک شویم. در ارتباط با سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل میان حقوقدانان اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ حقوقدانان طرفدار مکاتب پوزیتیویستی یا اراده‌گرایی، سلسله مراتب هنجاری را مولود حقوق معاهدات می‌دانند، در نتیجه این مفهوم را محصور در حقوق معاهدات می‌دانند؛ سلسله مراتب هنجاری در فضای حقوق معاهدات به اشکال مختلف خودنمایی می‌کند، مانند معاهداتی که اعمال رزرو یا شرط را نسبت به برخی مقررات خود ممنوع می‌کنند که این امر نشان از سلسله مراتب میان مقررات معاهده مزبور دارد، و یا در مواردی برخی معاهدات، شماری از ترتیبات خود را در هر شرایطی غیرقابل تعلیق اعلام کرده‌اند. مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی که مطابق مفاد ماده ۴ این میثاق، برخی حقوق به عنوان "حقوق غیرقابل تخطی" در کلیه شرایط تلقی شده‌اند؛ یا به عبارت ساده‌تر تجاوز به این حقوق از جانب دولت‌ها تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست. در آثار حقوقدانان از این حقوق با عنوان

نیز در مقدمه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن پاراگراف ۳۳، چنین تعریف شده است: "باید میان تعهدات یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی در کل و تعهدات او در برابر هر دولت دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک تفکیک قائل شویم. تعهدات دسته اول به دلیل ماهیتشان مرتبط با تمامی دولت‌ها هستند. لذا با توجه به اهمیت حقوق مزبور، تمامی دولت‌ها در حمایت از آنها دارای نفع حقوقی هستند. آنها (تعهدات دسته نخست) تعهداتی عام (ارگا آمنس) هستند." در نتیجه، با تعریف طبقه‌بندی قواعد حقوق بین‌المللی، جایی برای قواعد حقوق نرم باقی نمی‌ماند، زیرا دارای تفاوت مبنایی با قواعد حقوق بین‌الملل با وصف الزام‌آوری هستند. پس باید فضای دیگری خارج از حقوق برای آن‌ها قائل شویم (۱۰).

شاید چنین به نظر برسد که اگر استدلال ما در جهت نفی وجود سلسله مراتب در فضای حقوق بین‌الملل باشد، اشکال منتقدان پاسخ داده می‌شود، حال آن‌که به نظر می‌رسد این روش، در واقع پاک کردن صورت سؤال باشد و از طرفی با توجه به شواهد مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که نفوذ بحث سلسله مراتب هنجاری در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل دارای آثاری با شدت و ضعف مختلف، بوده است. آثار بحث سلسله مراتب هنجاری را در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل می‌توان مشاهده کرد، که حاصل تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌باشند: یکی از این حوزه‌ها حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱، کمیسیون حقوق بین‌الملل میان موارد نقض‌های فاحش قواعد آمره (ماده ۴۱) و نقض تعهدات عام‌الشمول (ماده ۴۸) با نقض سایر قواعد حقوق بین‌الملل تفکیک قائل شده است و برای سایر دولت‌ها نیز در موارد مواجهه با چنین نقض‌هایی، تعهداتی را در نظر گرفته است (۱۱). حوزه دوم حمایت دیپلماتیک می‌باشد. حمایت دیپلماتیک یکی از حوزه‌هایی می‌باشد که ارتباط تامی با حاکمیت ملی دولت‌ها دارد. به بیان ساده‌تر حمایت دیپلماتیک حق دولت‌ها در حمایت از اتباع آن‌ها می‌باشد. طرح کمیسیون حقوق

بین‌الملل در مورد حمایت دیپلماتیک مصوب ۲۰۰۶ در ماده ۱۹ و تفسیر آن، در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر دولت‌ها را توصیه به حمایت دیپلماتیک از اتباعشان می‌کند علی‌رغم این‌که حمایت دیپلماتیک حق دولت می‌باشد (۱۲). حوزه سوم رزرو بر معاهدات بین‌المللی می‌باشد. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد راهنمای اعمال شرط بر معاهدات بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱، اعمال شرط بر معاهداتی که منعکس‌کننده قواعد آمره باشد، فاقد اثر است (۱۳).

در نتیجه هدف ما در این‌جا بحث پیرامون سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل نیست، بلکه در فرض پذیرش این‌که در میان هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب وجود دارد، اولاً این چالش باقی است که جایگاه هریک از قواعد مختلف حقوق بین‌الملل باید در سلسله مراتب مذکور مشخص شود، ثانیاً در فرض وجود این سلسله مراتب و مشخص شدن طبقات و محتوای طبقات آن، حتی اگر حقوق نرم به عنوان یک مفهوم غیرحقوقی مورد پذیرش قرار گیرد، باز هم مصادیق اسناد و هنجارهای حقوق نرم مانند قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به طور کلی بازیگران غیردولتی نقش بسیار مهمی را در ایجاد و تقویت رویه‌های عرفی و کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور ایفا می‌کنند. برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل در پاسخ، به نقد دیدگاه کلاسیک حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و معتقدند که در فضای فعلی حقوق بین‌الملل باید قائل به یک دیدگاه گسترده‌تر و منعطف‌تر در مورد فرآیند تشکیل قواعد حقوق بین‌الملل باشیم. در این دیدگاه گسترده و منعطف، نهادهای چندجانبه بین‌المللی مانند سازمان‌های بین‌المللی با صدور اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها در واقع، گام اولیه در فرآیند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی یعنی مطرح نیازها در سطح بین‌المللی و سنجش میزان استقبال و گرایش جامعه بین‌المللی به نیاز مزبور را برمی‌دارند (۱۴). بدین صورت که: «نقطه آغاز یا حمایت گسترده از اغلب تحولات در حقوق بین‌الملل، پیشنهادات، گزارش‌ها، قطعنامه‌ها، معاهدات یا پروتکل‌های مطرح شده در نهادهای بین‌المللی می‌باشد. در آن‌جا، نمایندگان دولت‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع برای بحث پیرامون دغدغه‌های متقابل

دارای یک ویژگی خاص هستند و آن این که، از سوی «جامعه بین‌المللی در کل» به عنوان یک هنجار غیرقابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته باشند (۱۷).

در فضای حقوق بشر برخی از هنجارهای حقوق بشر به عنوان قواعد غیرقابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. مطابق مفاد ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، برخی از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در هیچ حالتی (حتی در شرایط اضطراری) قابل تعلیق نیستند. حقوق مزبور عبارتند از: ۱. ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛ ۲. حق حیات؛ ۳. ممنوعیت آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه از جمله تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی قرار دادن؛ ۴. ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده؛ ۵. ممنوعیت حبس افراد به علت عدم توانایی اجرای تعهد قراردادی؛ ۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی؛ ۷. تعهد به شناسایی شخصیت افراد انسانی؛ ۸. حق آزادی فکر، وجدان و مذهب؛ از نظر برخی نویسندگان، تعهدات فوق، مصادیق بارز قواعد آمره در فضای حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند. در نتیجه این قواعد در رأس سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بین‌الملل قرار دارند (۶).

۷-۵. آثار قواعد آمره در فضای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه (مسئولیت مشدد)

حقوق مسئولیت بین‌المللی، یکی از شاخه‌های اصلی و اساسی حقوق بین‌الملل است که با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل دارای ارتباط تنگاتنگی است. حقوق مسئولیت بین‌المللی عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به موضوع مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. بنابراین هر موضوعی که به نوعی با موضوع مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ارتباط داشته باشد، در حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح می‌شود.

قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اساساً دارای حالتی غیرمدون است، به همین دلیل برای یافتن این قواعد باید به رویه قضایی محاکم دادگستری و داوری بین‌المللی، عرف و دکترین رجوع کرد. کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۶۹

در مورد مسائل مهم بین‌المللی گرد هم جمع می‌شوند. گاهی اوقات این تلاش‌ها منجر به یک اجماع در مورد حل مسئله و بیان آن در قالب یک شرایط هنجاری از برنامه کلی می‌شود. در برخی موارد دیگر، حقوق بالقوه جدید از طریق ابزار روابط بین‌المللی یا رویه موسسات بین‌المللی تخصصی توسعه پیدا می‌کند و در گام‌های بعدی در نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. این فرآیند توجهات را به قاعده جلب می‌کند و به شکل‌گیری و استحکام آن کمک می‌کند (۱۴).

در نتیجه به بیان ساده‌تر، با وجود این که در حال حاضر انکار وجود سلسله مراتب در حقوق بین‌الملل بسیار مشکل است، اما با در نظر گرفتن اسناد حقوق نرم به عنوان فضای بینابین حقوق و اخلاق (غیرحقوق) می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که: هنجارهای اخلاقی می‌توانند با مطرح شدن در سطح بین‌المللی به عنوان یک نیاز به سطحی بالاتر ارتقاء پیدا کنند و از فضای غیرحقوقی خارج و وارد فضای حقوق نرم شوند. پس از این مرحله هنجار حقوق نرم نیز به نوبه خود قابلیت حمایت از جانب اعضاء جامعه بین‌المللی و ارتقاء به حقوق سخت را دارد. پس از ورود به فضای حقوق سخت، نمی‌توان گفت که نقش حقوق نرم به پایان رسیده است، بلکه اسناد و هنجارهای حقوق نرم می‌توانند، هنجارها و قواعد حقوق سخت را در سلسله مراتب هنجاری حقوق سخت تقویت کنند و حسب مورد به قاعده آمره بین‌المللی یا تعهدات عام‌الشمول تبدیل کنند (۱۵).

۵-۶. مصادیق آمره هنجارهای حقوق بشر

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، قواعد آمره در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار دارند. به بیان ساده‌تر، سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل نمی‌توانند در تعارض با قواعد مزبور قرار گیرند. در هیچ سند بین‌المللی لیستی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل مشخص نشده است (۱۶). برای تشخیص مصادیق قواعد آمره باید در هر حوزه خاص با توجه به مجموعه هنجارها و رویه بازیگران بین‌المللی، مصادیق مزبور را تشخیص داد. مطابق با تعریف قواعد آمره که در کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات بیان شده است، قواعد آمره

نظامی بیگانه در قلمرو خود برای هدف مشروعی اجازه دهد (۱۱). در این مورد خاص نیز باید توجه داشته باشیم که "رضایت" در جهت یک هدف مشروع باید صادر شود، وگرنه برای مثال چنانچه دولتی در اعلامیه رضایت خود تصریح کند که نسبت به تجاوز نظامی دولت دیگر رضایت دارد، در این شرایط به نظر نمی‌رسد که رضایت مذکور رافع وصف متخلفانه فعل دولت متجاوز باشد.

دومین ارجاع به قواعد آمره در طرح کمیسیون، مربوط به مقررات فصل سوم از بخش دوم تحت عنوان «نقض‌های فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» است.

بند ۲ ماده ۴۰، کمیسیون حقوق بین‌الملل، نقض جدی قاعده آمره را نقضی می‌داند که با قصور فاحش یا سیستماتیک (منظم یا برنامه‌ریزی شده) همراه باشد. برای آن که یک نقض، سیستماتیک تلقی گردد، باید به شکل سازمان‌یافته و عمدی صورت بگیرد. در مقابل، واژه فاحش به گستردگی تخلف یا آثار آن اشاره دارد، یعنی مشخص‌کننده تخلف‌هایی است که ماهیتی آشکار داشته، به منزله حمله مستقیم و بی‌محابا به ارزش‌های صیانت شده از سوی قاعده تلقی می‌شوند. باید توجه داشت که نقض‌های جدی معمولاً هم سیستماتیک و هم فاحش هستند (۱۱).

در ماده ۴۱ آثار نقض جدی یک تعهد ناشی از قواعد آمره بیان شده است. در این ماده دو تعهد سلبی و یک تعهد ایجابی برای دولت‌ها در موارد نقض یک قاعده آمره، در نظر گرفته شده است. تعهد ایجابی عبارت است از اینکه دولت‌ها ابتدا باید برای پایان بخشیدن به وضعیت ایجاد شده در اثر نقض قواعد آمره، با یکدیگر همکاری کنند. بند اول ماده ۴۱ مقرر می‌کند: دولت‌ها باید برای پایان بخشیدن به هرگونه نقض خطیر تعهد در معنای مورد نظر ماده ۴۰ از طرق قانونی همکاری نمایند. حال این همکاری هم می‌تواند در قالب طرح‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد و هم در قالب سازوکارهای خارج از سازمان ملل متحد باشد اما به شرطی که سازوکارهای اخیر، ایجاد مانع در روند طرح‌ها و برنامه‌های ملل متحد در موضوع اخیر نکند (۱۱).

بررسی طرح راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها را آغاز کرد تا سرانجام در نوامبر ۲۰۰۱ طرح توسط کمیسیون به تصویب نهایی رسید. مع‌الوصف با توجه به اینکه در شرح مواد این طرح، کمیسیون حقوق بین‌الملل به کلیه آراء مراجع قضایی و داوری بین‌المللی و رویه دولت‌ها استناد کرده است، این طرح (با اینکه هنوز مورد امضاء و تصویب دولت‌ها قرار نگرفته است) و به شکل یک معاهده بین‌المللی درنیامده است) به عنوان منبع قواعد و مقررات حقوق مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها تلقی می‌شود. بنابراین در ادامه ما نیز به بررسی جایگاه قواعد آمره در این طرح خواهیم پرداخت.

اولین ارجاع به قواعد آمره در طرح مواد راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها به ماده ۲۶ تحت عنوان «مطابقت با قواعد آمره» مربوط است. فصل پنجم از قسمت اول طرح کمیسیون به معاذیر رافع وصف متخلفانه فعل می‌پردازد. در این فصل شش وضعیت بیان شده است که در صورت وجود هر یک از آن‌ها، وصف متخلفانه فعل دولت از بین می‌رود. این شش وضعیت عبارتند از: رضایت، دفاع مشروع، اقدامات متقابل در برابر فعل متخلفانه بین‌المللی، فورس ماژور، اضطرار و ضرورت. این شش وضعیت، ذیل مواد ۲۰ تا ۲۵ طرح کمیسیون شرح داده شده‌اند. به دنبال بیان این شش وضعیت، کمیسیون در ماده ۲۶ چنین تصریح می‌کند: «هیچ یک از مقررات این فصل، رافع وصف متخلفانه فعل دولت که مغایر با تعهد ناشی از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد، نخواهد بود».

همچنین کمیسیون در تفسیر همین ماده بیان می‌دارد که شرایط رافع وصف متخلفانه بودن فعل در فصل پنجم بخش نخست هیچگونه تخطی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام را مجاز ندانسته و آن را نمی‌پذیرد (۱۱). به عنوان مثال دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌کند نمی‌تواند از چنین قاعده‌ای تخطی کند. برای مثال نسل‌زدایی نمی‌تواند نسل‌زدایی متقابل را توجیه کند (۱۸). به همین ترتیب استناد به ضرورت و سایر معاذیر رافع نمی‌تواند نقض یک قاعده آمره را توجیه کند. البته باید توجه داشته باشیم که در اعمال برخی قواعد آمره ممکن است رضایت دولت، تأثیر داشته باشد. به عنوان مثال، یک دولت می‌تواند به نحو معتبری حضور نیروی

معاف نیست: الف) رعایت هرگونه آیین حل و فصل اختلاف حاکم بین آن و دولت مسؤول؛ ب) احترام به تعرض ناپذیری نمایندگان سیاسی یا کنسولی، اماکن، بایگانی‌ها و اسناد آن‌ها».

بند (د) ذیل پاراگراف ۱ اقدامات متقابلی که تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام را تحت تأثیر قرار می‌دهند منع می‌کند. آشکار است که یک قاعده آمره که حتی با یک معاهده بین دو دولت نمی‌توان از آن تخطی کرد به طریق اولی با عمل یک‌جانبه یک دولت در قالب اقدامات متقابل قابل تخطی نیست. این قسمت تأکیدی مجدد است بر آنچه که در ماده ۲۶ از آن سخن رفت مبنی بر اینکه معاذیر رافع مسؤولیت مذکور در فصل پنجم بخش نخست بر متخلفانه بودن هرگونه فعل دولت که مغایر تعهد ناشی از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد تأثیر نمی‌گذارند. اشاره به «دیگر» تعهدات ناشی از قواعد آمره نشان می‌دهد که قسمت (د)، قسمت‌های قبلی را که برخی از آن‌ها شامل قواعدی با ویژگی آمره هستند محدود نمی‌کند. بویژه قسمت‌های (ب) و (ج) اعتبار خویش را حفظ می‌کنند (۱۶). بنابراین با توجه به سیاق بند (د) ماده ۵۰ مصادیق بیان شده در قسمت‌های (الف)، (ب) و (ج) از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، قواعد آمره محسوب می‌شوند (۱۹).

۵-۸. مواد مخدر در مقررات و اسناد بین‌المللی

ابتدا لازم است تاریخچه بحث را مطرح نموده، سپس اقدامات تقنینی در زمینه مبارزه با مواد مخدر را بررسی و تحلیل نماییم.

۵-۸-۱. سیر هنجارسازی

با آغاز قرن بیستم کشورها به تدریج متوجه خطرات مواد مخدر به ویژه تریاک گردیدند. در سالیان اول قرن بیستم دنیا نظاره‌گر تولد و ظهور مقابله با مواد مخدر در سطح بین‌المللی بود و این کار به علت شیوع هر روزه تریاک در دنیای آن روز بوده است. تا پیش از این دوره اکثر تلاش‌ها در سطح ملی بود و نتیجه لازم را دربر نداشت و عقیم مانده است. در این سال‌ها

و اما تعهدات سلبی عبارتند از اینکه دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره، تعهد به عدم شناسایی وضعیت‌های ایجاد شده و همچنین عدم کمک و مساعدت در حفظ وضعیت مذکور را دارند. بند ۲ ماده ۴۱ مقرر می‌دارد: هیچ دولتی نباید وضعیت حاصل از یک نقض فاحش تعهد در معنای مورد نظر ماده ۴۰ را قانونی شناخته و یا در حفظ آن وضعیت کمک یا همراهی نماید. در مورد تعهد به عدم شناسایی باید بگوییم که این تعهد شامل هر دو نوع شناسایی صریح و ضمنی می‌باشد. این تعهد در قضایای مختلف و مواضع متفاوت توسط مراجع بین‌المللی و حتی خود دولت‌ها اتخاذ شده است (۱۱). تعهد سلبی دوم که دولت‌ها دارند، منع ارائه کمک و مساعدت در حفظ وضعیت ایجاد شده در نتیجه نقض قاعده آمره می‌باشد. باید متذکر شویم که برای مسؤول شناخته شدن دولتی از باب مساعدت دو عنصر لازم است، یکی علم و آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی و دیگر اینکه اگر فعل مورد نظر که دولت مساعدت‌کننده، کمک به انجام آن می‌کند، اگر توسط دولت مساعدت‌کننده هم انجام شود، متخلفانه باشد (که این شرط در مورد قواعد آمره قطعاً وجود دارد). اما این دو شرط برای موردی است که نخست نقضی رخ داده است در حالی که بحث فراتر این قضیه و مربوط به حالتی است که نقض رخ داده است و دولت‌ها تعهد به عدم مساعدت برای حفظ وضعیت موجود را دارند (۱۱).

آخرین اشاره طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل به مقوله قواعد آمره در ماده ۵۰ این طرح آمده است. کمیسیون پس از بیان شرایط توسل به اقدامات متقابل در ماده ۴۹، تعهداتی را که تحت تأثیر اقدامات متقابل قرار نمی‌گیرند، ذیل ماده ۵۰ بیان کرده است. ماده ۵۰ طرح کمیسیون مقرر می‌دارد: «۱) اقدامات متقابل بر تعهدات ذیل تأثیری نخواهد داشت: الف) تعهد خودداری از تهدید یا توسل به زور به شرح مندرج در منشور ملل متحد؛ ب) تعهدات راجع به صیانت از حقوق بنیادین بشر؛ ج) تعهدات با ماهیت بشردوستانه که اقدامات تلافی جویانه را منع می‌کنند؛ د) دیگر تعهداتی که منبعث از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام است. ۲) دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌ورزد از ایفای تعهدات خود در موارد زیر

اول دسامبر سال ۱۹۱۱ و در کشور هلند (لاسه) برگزار گردید. ۱۱ دولت در این کنفرانس شرکت داشتند. هدف از تشکیل این کنفرانس اجرای اصولی بود که در قطعنامه پایانی کنفرانس شانگهای در مورد مسائل مربوط به تریاک توصیه شده بود. انگلستان از جمله کشورهایی بود که حاضر نبود از منافع سرشاری که از صنعت مرفین‌سازی و انحصار تریاک هند، به دست می‌آورد چشم‌پوشد. فرانسه هم به همین شکل به منافع خود در هند و چین می‌اندیشید. آلمان هم که تولیدکننده کوکائین بود، تلاش می‌کرد تا منافع خود را از دست ندهد (۲۲).

در میان کشورهای دیگر جهان می‌توان از ایران نام برد که ایرانی‌ها نیز شدیداً از مزارع پر بار خشخاش خود محافظت می‌کردند. اما با این اوصاف کنفرانس مذکور را می‌توان شروع خوبی برای کنفرانس‌های بعدی دانست. در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۱۳ قراردادی به امضای کشورهای شرکت‌کننده رسید که بعدها «کنوانسیون لاهه» یا «کنوانسیون بین‌المللی تریاک» نام گرفت.

از نکات مثبت این کنوانسیون این است که این پیمان مقدمه‌ای جهت پیمان‌های پس از خویش بود. به عبارتی رژیم فعلی مواد مخدر به شکل ابتدایی خویش از آن زمان به وجود آمد. در این پیمان اصولی مورد قبول دولت‌های شرکت‌کننده قرار داشته که تمام کنوانسیون‌های پس از آن بر اساس این اصول هستند. «اصولی مثل لزوم داشتن جواز برای انجام مراحل مختلف تولید و توزیع مواد مخدر، جلوگیری از حمل غیرقانونی این مواد، محدود کردن تجارت مواد مخدر و نیز مصرف آن‌ها برای مصارف پزشکی مشروع، همکاری در امر مبارزه با این مواد و ارائه اطلاعات به دیگر کشورها در مورد اقدامات انجام شده در این زمینه. در ژوئیه سال ۱۹۱۳ میلادی مجدداً کنفرانس لاهه به دلیل اینکه دولت‌هایی که در کنفرانس حضور نداشتند از امضاء قرارداد خودداری می‌کردند، تشکیل گردید. آلمان، انگلستان و فرانسه که سکوت و کارشکنی آن‌ها در کنفرانس اول کاملاً واضح بود، این بار دلایل جدیدی برای خودداری از تصویب قرارداد ارائه کردند و دیگر کشورهای حاضر در کنفرانس نیز به خاطر منافع دولت

بعضی از صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که باید مبارزات خویش را از سطح ملی به سطح فراملی ارتقاء بخشند، تا با این اقدام به نتایج بهتری نائل شوند. پس، محافل سیاسی دنیا به فکر کنترل نمودن تریاک و دیگر مواد مخدر افتاده و تفکر به وجود آوردن یک نهاد بین‌المللی که ضامن ایفای این تصمیم بوده در حال اوج‌گیری بود. یکی از کشورهای درگیر کشور فیلیپین بود که به علت اقدامات استعمارگران تعداد معتادان آن روز به روز بیشتر می‌شد. در نتیجه جنگ اسپانیا و آمریکا که به پیروزی آمریکائی‌ها انجامید، جزایر فیلیپین در سال ۱۸۹۸ جزئی از منطقه تحت سیطره آمریکائی‌ها گشت. تعدادی از چینی‌تبارها در فیلیپین سکونت داشتند که اکثر آن‌ها معتاد به تریاک بودند و این مسئله موجب گشت تا اعتیاد در میان مردم فیلیپین گسترش یابد، به طوری که در آغاز قرن بیستم بیش از ۱۹۰ تریاک‌کش خانه در فیلیپین وجود داشت (۲۰).

اسپانیایی‌ها در زمان تسلط بر فیلیپین، تجارت تریاک را آزاد گذاشته بودند. آن‌ها مراکز فروش تریاک را هر ساله به حراج می‌گذاشتند و از این راه درآمد هنگفتی به خزانه اسپانیا می‌رسید. آمریکائی‌ها پس از تسلط بر فیلیپین با هزینه سنگینی یعنی در حدود ۵۰۰ هزار دلار توانستند تمام تریاک‌کش‌خانه‌ها را ببندند (۲۱).

ولی با این همه مخارج باز هم اعتیاد در فیلیپین رو به فزونی بود، در نتیجه مسئولین هیأتی را برای تحقیق در مورد تجارت تریاک در منطقه مورد نظر تعیین نمودند. دلیل اعزام این هیأت، در درجه اول اقدامات اسقف فیلیپین و در درجه دوم تلاش برای نزدیکی هرچه بیشتر میان آمریکا و چین بود.

از سال ۱۹۱۰ میلادی به بعد که به علت اقدامات دولت چین و تعهد انگلیس مبنی بر عدم حمل تریاک هندوستان به چین، توسعه زمین‌های زیر کشت خشخاش در ایران شروع شد. اسم ایران و تریاک ایرانی کراراً در محافل سیاسی جهان بر سر زبان‌ها بود. در این هنگام بود که ضرورت وجود معاهدات الزم‌آور در این خصوص به شدت احساس می‌گشت. در اثر مساعی نمایندگان برخی کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس شانگهای و پیگیری‌های دولت آمریکا، کنفرانس بین‌المللی در

تصمیم بر آن گشت تا جلسات کمیسیون جهت مشورت و تبادل عقاید بین اعضاء به شکل منظم برگزار شد. این کمیسیون در ژوئن سال ۱۹۲۳ میلادی توانست موافقت ۴۳ کشور عضو جامعه ملل را برای پیوستن به معاهده لاهه به دست بیاورد اما در جلسه‌ای که در همین سال تشکیل شد جایگاه نمایندگان کشورهای ترکیه، افغانستان و ایران به علت اینکه هنوز معاهده را امضاء نکرده بودند، خالی بود. جامعه ملل در نوامبر سال ۱۹۲۴ دور تازه‌ای از مذاکرات را در جهت مبارزه با تریاک شروع کرد و در این راه از مساعدت کمیسیون مشاور تریاک و کمیته بهداشت نیز برخوردار بود. این کنفرانس‌ها در شهر ژنو شکل گرفت و منتهی به تصویب دو سند شد که عبارت است:

۱- موافقت‌نامه الغای ساخت، تجارت داخلی و استعمال تریاک پرورده منعقد در ۱۱ فوریه ۱۹۲۵.

۲- کنوانسیون بین‌المللی تریاک خام و سایر مواد مخدر منعقد در ۱۹ فوریه ۱۹۲۵ (۲۱).

پس از پایان جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد تشکیل شد و دیری نپائید که همان اقدامات جامعه ملل را در زمینه جلوگیری از مواد مخدر و روانگردان دنبال کرد. قراردادهایی که در جامعه ملل قبل از جنگ جهانی دوم به امضاء رسیده بود شامل مواد مخدری بود که از سه ماده اصلی یعنی تریاک، کوکائین و حشیش و چند محصول شیمیایی معدود که همگی ساخته شده بودند مشتق می‌شد، ولی در طول زمان دانش شیمی موفق به تهیه و عرضه انواع متعدد محصولات شیمیایی و انواع فرآورده‌های دارویی شده بود که بسیاری از آنها اعتیادآور بودند و چون در قراردادهای قبلی ذکری از آنها نشده بود، شامل کنترل‌های بین‌المللی نمی‌شدند. به موجب پروتکل سال ۱۹۴۶ کلیه اختیارات جامعه ملل به سازمان ملل متحد تفویض گردید و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نسبت به تشکیل کمیسیون مواد مخدر که جانشین کمیته مشورتی تریاک مجمع ملل شده اقدام کرد. کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد نخستین اجلاس خود را در سال ۱۹۴۶ برگزار نمود و این کمیسیون به عنوان شاخه اجرایی شورای اقتصادی و اجتماعی در زمینه مواد مخدر

متبوع خود حرکتی برای اخذ تصمیمات مفید و بشردوستانه به خرج ندادند. سرانجام کنفرانس ۱۹۱۳ به علت کارشکنی‌های دولت انگلستان با شکست مواجه شد و تعطیل شد. پس از شکست دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۱۳ تصمیم گرفته شد تا مذاکرات در نیمه دوم ژوئن سال ۱۹۱۴ از سر گرفته شود. در کنفرانس سوم لاهه بسیاری از مشکلات حل شد. بسیاری از کشورها به کنوانسیون سال ۱۹۱۲ ملحق شدند. به طور کلی می‌توان گفت که مذاکرات مفیدی انجام شد ولی با این وجود کشورها به اتفاق نظر خاصی نرسیدند و به موجب قرارداد منعقد در این کنفرانس از ضرورت اتفاق نظر کلیه کشورها صرف‌نظر شد و فقط به کشورهای متعهد این فرصت داده شد که پیمان لاهه را در روز ۳۱ دسامبر سال ۱۹۱۴ میلادی به مرحله اجرا گذارند، اما در روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ ولیعهد اتریش و همسرش توسط یک مرد تبعه صربستان ترور شدند و جنگ جهانی اول آغاز گردید (۲۱).

بعد از شروع جنگ جهانی نخست به علت مسائلی که دولت‌های درگیر در جنگ داشتند، مقابله با مواد مخدر و قاچاق به طور کامل فراموش شد. به دنبال تشکیل جامعه ملل در ششم فوریه ۱۹۱۹، اقداماتی در جهت مبارزه با مواد مخدر به انجام رسید. بر طبق ماده ۲۳ میثاق جامعه بین‌الملل «اعضای جامعه، نظارت فائقه در خصوص قراردادهای مربوط به داد و ستد تریاک و سایر داروهای خطرناک را می‌پذیرند» و به عبارت دیگر میثاق، جامعه ملل را مأمور مراقبت در اجرای مقررات پیش‌بینی شده برای داد و ستد تریاک و دیگر مواد گیاهی زیانبخش نمود (۲۳).

از اولین اقداماتی که جامعه ملل انجام داد می‌توان به ایجاد یک «کارتل بین‌المللی مواد مخدر» اشاره نمود. در این کارتل هر یک از کشورهای عضو فقط مجاز بودند به میزان سهمیه تعیین شده مواد مخدر تولید نمایند.

از دیگر اقدامات جامعه ملل در بدو تأسیس آن می‌توان به تشکیل «کمیسیون مشورتی تریاک» در سال ۱۹۲۰ میلادی اشاره نمود (۲۴). مقصود اصلی جامعه ملل از تأسیس این کنوانسیون، ایجاد ارتباط شایسته بین دولت‌هایی است که با مسئله مواد مخدر درگیر بوده و جهت رسیدن به این مقصود

استعمال نابجای برخی از مواد روانگردان، اعضای معاهده عزم خویش را برای پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با سوئ مصرف این مواد جزم نموده‌اند و در ادامه مصرف این مواد را جهت مصارف پزشکی و علمی ضروری ندانسته‌اند و در پایان اعضای کنوانسیون، سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن را جهت انجام اقدامات لازم و مؤثر در زمینه مبارزه با سوء مصرف این مواد صالح دانسته‌اند و اذعان می‌دارند که یک کنوانسیون بین‌المللی برای نیل به هدف‌های فوق لازم است (۲۳).

پس از کنوانسیون سال ۱۹۷۱ در سال ۱۹۸۸ مهم‌ترین کنوانسیون در زمینه مواد مخدر و مواد روانگردان به امضاء رسید که گام مهمی در جهت کنترل بین‌المللی مواد مخدر و مواد روانگردان بود.

پس از آن یعنی در سال ۱۹۸۸ نیز برنامه راهبردی ده ساله ملل متحد از تصویب مجمع عمومی گذشت. در سال ۱۹۹۰ نهاد تخصصی جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت که بار اجرای برنامه‌های سازمان ملل متحد را به دوش کشید. این نهاد سازمان ملل که UNDCP نام داشت، بعدها نام آن در سال ۲۰۰۲ به UNODC تغییر یافت. علاوه بر این نهادها دو نهاد تخصصی سازمان ملل متحد یعنی کمیسیون مواد مخدر CND و هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر INCB نیز در این سال‌ها بر دامنه فعالیت‌های خود افزودند. ضمناً اقداماتی نیز توسط برخی از سازمان‌های فنی، اجرایی ملل متحد و INTERPOL در جهت کنترل مواد مخدر و مواد روانگردان به انجام رسیده است.

۵-۸-۲. کنوانسیون‌های بین‌المللی

در ادامه به بررسی مهم‌ترین کنوانسیون‌هایی که در سطح بین‌المللی در خصوص مبارزه با مواد مخدر تصویب شده‌اند خواهیم پرداخت.

۵-۸-۲-۱. کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱

در سال ۱۹۵۸ میلادی در کمیسیون مواد مخدر شورای اقتصادی و اجتماعی، قطعنامه (۶) ۶۸۹- ژنو مورخ ۲۸ ژوئیه

فعالیت می‌کند. در ماه‌های مه و ژوئن سال ۱۹۵۳ در شهر نیویورک یک کنفرانس با موضوع تریاک برگزار شد و در آن پروتکل «موافقت‌نامه تحدید و کنترل خشخاش و تولید و توزیع و مصرف بین‌المللی تریاک» به امضاء رسید. مقصود از انعقاد این پروتکل این است که در اسرع وقت به تهیه مجاز اما زائد بر مقدار مورد احتیاج بین‌المللی تریاک پایان داده و تولید و توزیع و مصرف تریاک را در جهان تا حد مصرف پزشکی و علمی محدود نماید. البته کشورها حق داشتند تا به کسانی که معتاد بودند اجازه دهند تا مواد مورد نیاز خود را تهیه و استعمال نمایند (۲۵).

پروتکل سال ۱۹۵۳ تریاک به هیأت مرکزی دائمی تریاک اختیار داد که از نوعی توانایی بازرسی و نظارت استفاده کند. برابر این اختیار هیأت قادر بود از دولت‌ها توضیح خواسته و پیشنهادهایی برای برطرف نمودن نواقص مشهود تهیه و تسلیم کند و با موافقت و رضایت حکومت محلی به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در محل اقدام نماید.

با انعقاد پروتکل سال ۱۹۵۳، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های متعددی در زمینه کنترل بین‌المللی مواد مخدر حاکم بودند و این موضوع سبب شده بود تا چند نهاد بین‌المللی به موازات هم به انجام وظیفه بپردازند. از طرفی بسط تدریجی کنترل بین‌المللی معضلاتی را سبب گردیده بود. البته از سال ۱۹۴۸ تلاش‌هایی برای حل این مشلات در کمیسیون مواد مخدر شورای اقتصادی و اجتماعی انجام گرفت که ماحصل آن صدور قطعنامه (۶) ۶۸۹- ژنو مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ بود. در این قطعنامه که بر طبق بند ۴ ماده ۶۲ منشور ملل متحد و قطعنامه (۴) ۳۶۶ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی بود، مقرر شد تا کنفرانسی با اختیار تام جهت تهیه و تدوین یک کنوانسیون واحد در مورد مواد مخدر تشکیل شود. این کنفرانس در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۶۱ در نیویورک تشکیل شد. پس از این کنوانسیون، کنوانسیون دیگری در زمینه مواد روانگردان در سال ۱۹۷۱ در وین به تصویب سازمان ملل متحد رسید. این کنوانسیون دارای ۳۳ ماده و چهار فهرست منضم است. در مقدمه این کنوانسیون ضمن ابراز علاقه به سلامت و رفاه نوع بشر و با در نظر گرفتن آثار و عواقب و

مذاکرات و اعلان نتایج گزارش‌های کمیته‌های تخصصی، کنوانسیون واحد مواد مخدر به تصویب رسید.

پنج قطعنامه‌ای که منضم به این کنوانسیون بودند تصویب گردید. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه، ۵۱ ماده و چهار فهرست ضمیمه است. اصل معاهده فوق نزد دبیرکل سازمان ملل به امانت گذاشته شده است. بر اساس بند نخست از ماده ۴۱ این کنوانسیون، «معاهده بعد از اتمام سی روز از زمان سپردن چهلمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد».

این معاهده از سال ۱۹۶۴ لازم‌الاجرا گردید و تا نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۷۵ کشور آن را امضاء نموده‌اند. لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون واحد مواد مخدر سبب کاشت تا ۹ فقره موافقت‌نامه و کنوانسیون پیش از این کنوانسیون لغو گردد. بر طبق ماده ۴۴ کنوانسیون واحد مواد مخدر معاهدات و موافقت‌نامه‌های نه‌گانه قبلی عبارت بودند از: الف) کنوانسیون بین‌المللی تریاک منعقد در لاهه ۲۳ ژانویه ۱۹۱۲؛ ب) موافقت‌نامه درباره ساخت، تجارت داخلی و استفاده از تریاک پرورده، منعقد در ژنو ۱۱ فوریه ۱۹۲۵؛ ج) کنوانسیون بین‌المللی تریاک منعقد در ژنو ۱۹ فوریه ۱۹۲۵؛ د) کنوانسیون برای تحدید ساخت و تنظیم و توزیع مواد مخدر منعقد در ژنو ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۱؛ ه) موافقت‌نامه به منظور نظارت بر استعمال تریاک در خاور دور منعقد در بانکوک ۲۷ نوامبر ۱۹۳۱؛ و) پروتکل منعقد در لیک‌ساز ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ راجع به اصلاح موافقت‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌نامه‌های مربوط به مواد مخدر منعقد در لاهه ۱۳ ژانویه ۱۹۱۲ در ژنو و ۱۱ فوریه ۱۹۲۵ و ۱۹ فوریه ۱۹۲۵ و ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۱ در ژنو و ۲۷ نوامبر ۱۹۳۱ در بانکوک و در ژنو ۲۶ ژوئن ۱۹۳۶؛ ح) پروتکل منعقد در پاریس ۱۹ نوامبر ۱۹۴۸ که برخی داروهای ملحوظ نشده در کنوانسیون ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۱ برای تحدید ساخت و تنظیم توزیع مواد مخدر اصلاح شده با پروتکل لیک‌ساکس ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶؛ ط) پروتکل ناظر بر تحدید و تنظیم کاشت خشخاش، هم نیز تولید، تجارت بین‌المللی، تجارت عمده و استعمال تریاک مصوب در نیویورک ۲۳ ژوئن ۱۹۵۳.

۱۹۵۸ تصویب گردید. در این قطعنامه که بر طبق بند ۴ ماده ۶۲ منشور ملل متحد و قطعنامه (۴) ۳۶۶ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی بود، مقرر شد تا کنفرانسی با اختیار تام جهت تهیه و تدوین یک کنوانسیون واحد در مورد مواد مخدر تشکیل شود. این کنفرانس در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۶۱ با حضور هفتاد و سه کشور جهان از جمله ایران در نیویورک تشکیل شد. افزون بر دولت‌هایی که نمایندگان خویش را به کنفرانس فرستاده بودند کشور سیلان به عنوان ناظر در جلسات شرکت می‌کرد. مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی نیز در این کنفرانس حضور داشتند که عبارت بودند از: سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشور (ایکائو)، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، سازمان بین‌المللی کار و سازمان جهانی بهداشت و نمایندگانی هم از سازمان‌های غیردولتی زیر در این کنفرانس حضور داشتند: کنفرانس بین‌المللی کارهای خیریه کاتولیک‌ها؛ فدراسیون بین‌المللی زنان حقوقدان؛ سازمان بین‌المللی پلیس هوایی.

درخصوص مقابله با مواد مخدر نیز نمایندگان مؤسسات بین‌المللی زیر در کنفرانس شرکت داشتند: هیأت مرکزی دائمی تریاک؛ هیأت نظارت بر مواد مخدر؛ دفتر دائمی نظارت بر مواد مخدر اتحادیه عرب.

البته بر طبق قطعنامه (۶) ۶۸۹ شورای اقتصادی و اجتماعی و مطابق با آئین‌نامه داخلی کنفرانس ناظرین و نمایندگان سازمان‌ها و هیأت‌های فوق حق رأی نداشتند و فقط در جلسات کنفرانس شرکت می‌نمودند. نمایندگان، آقای کارل شورمان را به عنوان رئیس انتخاب نمودند و او نیز ۱۸ نفر نائب رئیس را برای یاری به وی در انجام وظایفش انتخاب کرد (۲۶).

مبنای کار کنفرانس بر طبق قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی، پیش‌نویس قرارداد واحد درباره مواد مخدر بود که کمیسیون مواد مخدر آن را آماده کرده بود، البته مدارک دیگری نیز که توسط دبیرخانه ارسال شده بود به نظر کمیسیون رسید. و نیز کنفرانس کمیته‌هایی را راستای پژوهش درخصوص مواد گوناگون پیش‌نویس کنوانسیون تشکیل داد. در نهایت در روز ۳۰ مارس ۱۹۶۱ بعد از اتمام

۵-۸-۲-۲. کنوانسیون مربوط به مواد روانگردان ۱۹۷۱**وین**

بعد از سپری شدن یک دهه تجربیات با ارزش درخصوص مقابله با مواد مخدر کسب شد و دولت‌ها، موسسات غیردولتی و نهادهای بین‌المللی در این خصوص همکاری داشتند. در سال ۱۹۷۱ میلادی سازمان ملل متحد و موسسات مرتبط با مواد مخدر این سازمان به این نتیجه رسیده که در کنوانسیون واحد مواد مخدر سال ۱۹۶۱ نقاط ضعفی قابل تصور است.

این نقاط ضعف به دو دلیل بروز کرده بود، نخست نقص در مواد مندرج در کنوانسیون که در بخش مربوط به این کنوانسیون توضیح داده شده و دوم تولید و ساخت مواد روانگردان توسط بشر که هیچ کدام از این مواد در فهرست‌های منضم به کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ دیده نمی‌شد. بشر توانست با ترکیب مواد گوناگون و استخراج عصاره گیاهان به صورت طبیعی یا مصنوعی، مواد و داروهایی به دست آورد که علاوه بر استفاده در مداوای امراض و منظورهای علمی و طبی، سوءمصرف آنها به مراتب شدیدتر و خطرناک‌تر از اعتیاد به مواد مخدر در جسم و جان آدمی به وجود می‌آوردند. با توجه به اینکه این مواد عموماً وابستگی روانی در انسان به وجود می‌آوردند بنام مواد روانگردان یا پسیکوتروپ نام‌گذاری شده‌اند (۲۲).

در دهه ۶۰ میلادی به دلیل وجود نگرانی‌های فزاینده درخصوص اثرات زیانبار مواد روانگردان، محرک‌های آمفتامینی و مواد توهم‌زا و گزارش‌هایی که سازمان بهداشت جهانی در مورد این مواد ارائه می‌کرد، سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی این سازمان تصمیم گرفتند تا کنفرانسی را جهت تصویب کنوانسیونی در مورد مواد روانگردان تشکیل دهند.

کنوانسیون مواد روانگردان در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۷۱ و در شهر وین به تصویب رسید. این کنوانسیون دارای یک مقدمه، ۲۳ ماده و چهار فهرست است. مواد روانگردانی که در فهرست‌های چهارگانه جای دارند شامل هالوسینوزن‌ها که ساخت و استفاده، توزیع، صادرات، واردات و یا داشتن آنها ممنوع می‌باشد. فهرست‌های ۲ و ۳ و ۴ شامل آمفتامین‌ها، باریتورات‌ها و... که لازم است توسط متعاهدین ساخت آنها

محدود گردیده و صادرات و واردات، توزیع و انبارداری و نگهداری، تجارت و پخش این مواد در ابعاد صنعتی و طبی تحت کنترل درآید. لازم به ذکر است که بر اساس این کنوانسیون تعداد ۱۱۱ ماده روانگردان تحت نظارت قرار می‌گیرند که اغلب آنها بر سیستم مرکزی اعصاب تأثیر می‌گذارند. تا ابتدای نوامبر سال ۲۰۰۱ شمار ۱۶۹ کشور به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند. بر طبق ماده ۲۶ این کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «این کنوانسیون در نودمین روز پس از آنکه چهل کشور موضوع بند (۱) ماده ۲۵ آن را بدون قید تصویب، امضاء کرده یا اسناد تصویب یا الحاق خود را سپرده باشند، لازم‌الاجرا خواهد شد» این کنوانسیون در ۱۶ اوت سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد.

۵-۸-۲-۳. پروتکل اصلاحی معاهده واحد ۱۹۶۱ مصوب**۱۹۷۲ ژنو**

پروتکل اصلاحی در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۷۲ میلادی در شهر ژنو منعقد شد. این پروتکل مشتمل بر یک مقدمه و بیست و دو ماده می‌باشد و از تاریخ ۸ اوت سال ۱۹۷۵ میلادی به اجرا در آمد. به موجب ماده ۱۹ پروتکل اصلاحی، لازم‌الاجراء شدن این پروتکل دو اثر برای اعضای آن خواهد داشت:

«الف) به عنوان طرف درگیر معاهده واحد اصلاح گردیده، تقلی خواهد شد. ب) در برابر هر کدام از طرفین متعاهد معاهده واحد که به این پروتکل نپیوسته‌اند، طرف معاهده واحد اصلاح نشده، قلمداد می‌شود».

تا اول نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۷۵ کشور عضویت در این پروتکل را پذیرفته‌اند. این پروتکل در تاریخ چهاردهم مرداد ماه سال ۱۳۸۰ شمسی به تأیید مجلس شورای اسلامی رسیده است. امضاءکنندگان این موافقت‌نامه بر این نکته واقف بودند که کنوانسیون واحد مواد مخدر نیاز به اصلاحاتی دارد، به خصوص که یازده سال از انعقاد آن معاهده می‌گذشت و نقاط ضعف آن بر همگان مشخص شده بود. این پروتکل بر ازدیاد کوشش‌ها در راستای جلوگیری از کاشت و تهیه، قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر تأکید دارد. پروتکل اصلاحی همچنین در مورد نقش هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر و افزایش

کنوانسیون مبارزه با قاچاق و داروهای روانگردان در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ میلادی تصویب شد. جهت تصویب این کنوانسیون برابر روال کنوانسیون‌های پیشین اقدام گردید و کنفرانسی به این جهت تأسیس گردید که در ششمین جلسه این کنفرانس، کنوانسیون فوق تصویب گردید. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۳۴ ماده است. در ضمن دو جدول مربوط به مواد مخدر و روانگردان در پایان این معاهده آمده است. دو قطعنامه نیز در ضمن تأسیس کنفرانس به وسیله شرکت‌کنندگان صادر گردید که آن‌ها نیز منضم به متن اصلی کنوانسیون هستند. کنوانسیون نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به امانت گذاشته شد (ماده ۳۴). معاهده ۱۹۸۸ در تاریخ ۱۱ نوامبر سال ۱۹۹۰ میلادی به مرحله اجرا در آمد. برابر ماده ۲۹ این کنوانسیون «در ۱۹ روز بعد از زمان تودیع بیستمین سند تصویب پذیرش، تأیید و یا الحاق به وسیله حکومت‌ها لازم‌الاجرا خواهد شد. تا اول نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۶۲ کشور این معاهده را امضاء نموده‌اند. ایران نیز در تاریخ سوم آذر ماه سال ۱۳۷۰ به این کنوانسیون ملحق شد.

۶. نتیجه‌گیری

استفاده از مواد مخدر به صورت بسیار گسترده در بسیار از کشورهای جهان رواج پیدا کرده است. علی‌رغم ممنوعیت گسترده تولید و استفاده از مواد مخدر، و اثبات خطرات استفاده از آن برای سلامت انسان‌ها، کماکان بازار مصرف گسترده‌ای برای آن در کشورهای مختلف وجود دارد. در ارتباط با تولید و استفاده از مواد مخدر باید به این نکته دقت داشت که استفاده از مواد مزبور، ارتباط بسیار نزدیکی با وضعیت بهداشت و سلامت جامعه بین‌المللی دارند. این ویژگی باعث می‌شود که در فضای حقوق نیز حساسیت فراوانی نسبت به آن‌ها ایجاد شود. در پاسخ به حساسیت مزبور، اسناد بین‌المللی موجود، الگوی مسئولیت برای اعمال متخلفانه را در ارتباط با ممنوعیت تولید و استفاده از مواد مخدر برای دولت‌ها در نظر گرفته‌اند. باید توجه داشت که چنانچه دولتی هر یک از تعهدات بین‌المللی موجود در این زمینه را نقض کند، مسئولیت دولت مزبور مطابق با الگوی مسئولیت برای اعمال

وظایف و اختیارات آن هیأت در زمینه ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای مواد مخدر برای مقاصد پزشکی و علمی به موارد جدیدی اشاره می‌کند که در کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ لحاظ نشده بود.

ماده‌های مهم در زمینه محدودیت و ممنوعیت مواد مخدر ماده‌های ۱۱ یا ۲۱ مکرر (محدودیت تولید تریاک) و ماده ۱۲ یا اصلاحات ماده ۲۲ معاهده واحد (کنترل گیاه خشخاش، بوته کوکا یا گیاه شاهدانه و هر نوع گیاهی که به طور غیرمجاز کشت می‌شود) می‌باشد. همچنین در مورد درمان و بازپروری (ترک اعتیاد) معتادان و سازگاری آنها با اجتماع نیز در ماده ۱۵ (اصلاحات ماده ۳۸ معاهده واحد) پروتکل اصلاحی تأکید شده است.

۵-۲-۴. کنوانسیون بین‌المللی مواد مخدر و روانگردان ۱۹۸۸

در سال ۱۹۸۰ مجمع عمومی طی قطعنامه ۳۵/۱۹۵، به معضل مواد مخدر می‌پردازد و آثار و نتایج قاچاق و سوءمصرف آن را گوشزد می‌نماید. در سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی طی قطعنامه ۱۶۸/۳۶ برای تهیه یک راهبرد شامل تمام قوانین کنترل بر مواد مخدر به منظور تضمین تهیه مواد مخدر برای مصارف طبی و صنعتی و در عین حال کنترل سوءاستفاده از آنها در جوامع اقدام نمود.

مقصود اصلی این استراتژی ارتقای و بسط مقررات کنترل مواد مخدر و برقراری تضمین در بازار عرضه و تقاضا جهت مصارف قانونی است. هم‌چنین برای نابودی مزارع غیرقانونی و لابراتورهای مخفی که توسط قاچاقچیان کنترل می‌شود پیشنهاداتی ارائه گردید. این قطعنامه به پیشنهاد کشور بولیوی در دستور کار اجلاس سی و ششم مجمع عمومی قرار گرفت و استراتژی فوق‌الذکر در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱ به تصویب رسید «هم‌چنین از دبیرکل خواسته شد که گزارشی را در این زمینه به واسطه شورای اقتصادی و اجتماعی به اجلاس سی و هفتم ارائه کند. از اجلاس سی و هفتم مجمع تا زمان تصویب (کنوانسیون ۱۹۸۸) این قضیه ادامه داشت (۲۲).

عنوان یکی از مصادیق جدید قواعد آمره مورد شناسایی قرار گیرند.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

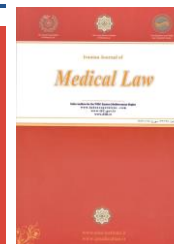
متخلفانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که الگوی مسئولیت مشدد در این زمینه برای دولت‌ها متصور باشد. در واقع با در نظر داشتن رویه بین‌المللی که در گزارش‌های کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی متبلور شده است، به نظر می‌رسد که تولید و استفاده از مواد مخدر به صورت مستقیم حق بر سلامت را تهدید می‌کند. حق بر سلامت نیز به عنوان یکی از مصادیق حق حیات قلمداد می‌شود. از طرفی نیز حق حیات یک عنوان کلی در نظام حقوق بشر بین‌المللی است که زیرمجموعه حقوق بنیادین بشری قرار می‌گیرد.

حقوق بنیادین بشری در فضای حقوق بین‌الملل موضوعه به عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شوند. مفهوم قواعد آمره بین‌المللی در نظام حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب هنجاری ایجاد کرده است. به بیان ساده‌تر، قواعد مزبور در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل به واسطه قرار گرفتن در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل، دارای آثار خاصی می‌باشند. حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز از این مسأله مستثنی نیست. به نظر می‌رسد تعهدات دولت‌ها در زمینه ممنوعیت تولید و استفاده از مواد مخدر به واسطه ارتباط نزدیک با «حق بر سلامت» و «حق حیات» دارای وصف «آمره» می‌باشند. در نتیجه در فضای حقوق مسئولیت بین‌المللی این امکان وجود دارد که الگوی مسئولیت مشدد (یا همان مسئولیت برای نقض قواعد آمره) برای دولت‌ها در نظر گرفته شود.

نکته دیگری که در پایان لازم است به آن اشاره کنیم این است که، تعهدات راجع به ممنوعیت‌های مختلف مواد مخدر در هیچ سند بین‌المللی صراحتاً به عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب نشده است؛ اما با توجه به پذیرش گسترده ممنوعیت‌های مواد مخدر در اسناد بین‌المللی مختلف، به نظر می‌رسد که اراده بین‌المللی برای شناسایی این ممنوعیت‌ها به عنوان تعهدات غیرقابل عدول در سطح جامعه بین‌المللی شکل گرفته است؛ در نتیجه می‌توانیم این نکته را مورد تأیید قرار دهیم که در فضای دکترین بین‌المللی، ممنوعیت‌های راجع به مواد مخدر این ظرفیت را دارند که به

References:

1. Beyranvand F, Sharifi Taraz Koochi H, Salami S. Configuration and Applying of International Soft Law in the Light of Procedure of the International Court of Justice with an Emphasis on Humanitarian Law. *Iranian Journal of Medical Law*. 2020;14:73-87. (Persian).
2. Alizadeh H. Compliance of drug criminality in Iran with international documents. *Social health and addiction*. 2004;1(3):21-64. (Persian).
3. Ernits M, Ginter C, Laos S, Allikmets M, Tupay PK, Värk R, et al. The Constitution of Estonia: The Unexpected Challenges of Unlimited Primacy of EU Law. In: Albi A, editor. *National Constitutions in European and Global Governance: Democracy, Rights, the Rule of Law*. Hague: Springer; 2019. p. 887-950.
4. Liliana E. *Patterns of Treaty Interpretation as Anti-Fragmentation Tools: A Comparative Analysis with a Special Focus on the ECtHR, WTO and ICJ*. Hague: Springer; 2017.
5. Friedrich J. International Environmental "soft law": The Functions and Limits of Nonbinding Instruments in International Environmental Governance and Law. New York: Springer Science & Business Media; 2013.
6. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Tehran: Islamic Azad University; 2020. (Persian).
7. Weil P. Towards Relative Normativity in International Law. *The American Journal of International Law*. 1983;77(3):415-49.
8. Meron T. On a hierarchy of international human rights. *American Journal of International Law*. 1986;80(1):1-23.
9. Shelton D. Normative hierarchy in international law. *American Journal of International Law*. 2006;100(2):291-323.
10. Thirlway H. *The Sources of International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2019.
11. Commission YotIL. Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts. *Yearbook of the International Law Commission*. 2001;2(2):49.
12. Yearbook of the International Law Commission. Draft Articles on Diplomatic Protection. article 19 para. 2,3. 2006;2.
13. Yearbook of the International Law Commission. Guide to Practice on Reservations to Treaties, para. 4.4.3. 2011;2.
14. Henriksen A. *International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2019.
15. Beyranvand F, Sharifi Taraz Koochi H, Salami S. Configuration and Applying of International Soft Law in the Light of Procedure of the International Court of Justice with an Emphasis on Humanitarian Law. *Iranian Journal of Medical Law*. 2019;14(Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights):73-87. (Persian).
16. Beyranvand F. *Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law*. Tehran: Islamic Azad University; 2013. (Persian).
17. Yaghuti E, Khazae A, Beyranvand F. Inquiries About Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Publisher; 2019. p. 35-6. (Persian).
18. I.C.J. Reports. Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, para. 35. 2007.
19. Kawasaki K. *Le Nuove Frontiere Del Diritto Internazionale*. Paris: Morlacchi Editore; 2008.
20. Boot M. *Opium: A History*. Translated by: Navai M. Tehran: Safi Alisha Publications; 2011. (Persian).
21. Bagherzade Miyanaaji A. *International cooperation in the fight against drugs*. Tehran: Scientific Publishing Center of Islamic Azad University; 2008. (Persian).
22. Saki M. *Drug crimes from the perspective of domestic law and international law*. Tehran: Third Line Publications; 2016. (Persian).
23. Rafiee R. *Investigation of psychedelics and narcotics in national and international documents*. Damghan: Damghan Branch of Azad University; 2012. (Persian).
24. Sadr Vahedi N. *A Comparative Study of Iranian Criminal Law in the Field of Narcotics with the 1988 UN Convention*. Tehran: Islamic Azad University Central Branch; 1999. (Persian).
25. Sadeghi H. *International Criminal Law*. Tehran: Mizan Publishing; 2011. (Persian).
26. Mortazavi Ghahi A. *International Drug Trafficking and International Law*. Tehran: Islamic Azad University Central Branch; 2000. (Persian).



ORIGINAL ARTICLE

Counter-narcotics in the light of international instruments with emphasis on the normative hierarchy of international law

Esmail Ramazani¹, Gholamhossein Masoud^{2*}, Mohsen Shekarchizadeh³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 10 April 2021

Accepted: 16 August 2021

Published online: 30 August 2021

Keywords:

Peremptory Norms
Drugs
International Instruments
Normative Hierarchy

* Corresponding Author:

Gholamhossein Masoud

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 85141-43131

Telephone: 31-42292929

Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: One of the social problems of societies is the phenomenon of crime and delinquency that arises as a result of social problems such as poverty, unemployment, economic and social crises, changes in laws and social patterns, weakening of religious beliefs and the general imbalance in the social order. Among these, one of the factors and harms that lead to delinquency is drugs.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: With regard to the production and use of drugs, it should be noted that the use of these drugs is very closely related to the health status of the international community. This feature causes a lot of sensitivity to them in the legal field. The production and use of drugs directly threatens the right to health. The right to health is also considered as one of the examples of the right to life. On the other hand, the right to life is a general title in the international human rights system, which is a subset of fundamental human rights.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: States' obligation to ban the production and use of narcotics are described as "commanding" because of their close association with the "right to health" and the "right to life." As a result, in the context of international responsibility law, it is possible for state to adopt a pattern of aggravated responsibility (or responsibility for breach of mandatory rules).

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ramazani E, Masoud GH, Shekarchizadeh M. Counter-narcotics in the light of international instruments with emphasis on the normative hierarchy of international law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.